

در یادداشتی از کاظم وادی زاده؛

ایده استقلال و انتخابات جامعه حسابداران رسمی

حرفه حسابرسی در ایران در وضعیتی چندلایه و پیچیده قرار دارد که بررسی آن نیازمند نگاهی تطبیقی و همه‌جانبه است. در حالی که در بسیاری از کشورها تفکیک وظایف حرفه‌ای و نظارتی به روشنی رعایت می‌شود - به این معنا که نهادهای حرفه‌ای مسئولیت آموزش، تربیت و برگزاری آزمون را دارند و مراجع مستقل یا دولتی نقش نظارت عمومی را ایفا می‌کنند.

به گزارش خبرنگاران گروه اقتصاد گزارش خبر، حرفه حسابرسی در ایران در وضعیتی چندلایه و پیچیده قرار دارد که بررسی آن نیازمند نگاهی تطبیقی و همه‌جانبه است. در حالی که در بسیاری از کشورها تفکیک وظایف حرفه‌ای و نظارتی به روشنی رعایت می‌شود - به این معنا که نهادهای حرفه‌ای مسئولیت آموزش، تربیت و برگزاری آزمون را دارند و مراجع مستقل یا دولتی نقش نظارت عمومی را ایفا می‌کنند - در ایران چنین مرزبندی شفافی مشاهده نمی‌شود.

آیا زمان آن نرسیده است که آزمون جامعه حسابداران رسمی، ارکان اصلی و حتی فرآیند نرخ‌گذاری خدمات حسابرسی از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم دولت رها شوند؟

آیا این میزان مداخله استقلال حرفه را محدود نکرده و مانع ایفای نقش واقعی جامعه در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی نشده است؟

الزام به «نرخ پایه» اگرچه در ظاهر به منظور جلوگیری از نرخ‌شکنی طراحی شده، در عمل باعث کاهش رقابت مبتنی بر کیفیت و نوآوری شده است. آیا ادامه این سیاست‌ها جز فشار مضاعف بر مؤسسات کوچک و متوسط نتیجه‌ای دارد؟ آیا وقت آن نرسیده است معیار اصلی کیفیت، شفافیت گزارش‌های حسابرسی و نظام بازبینی هم‌تا باشد، نه نرخ‌گذاری دستوری؟

بی‌توجهی حاکمیت به نقش جامعه در تضمین کیفیت اطلاعات مالی و حمایت از منافع ذی‌نفعان نیز پرسشی جدی است: چرا علیرغم تلاش‌های شوراهای عالی پیشین در ایفای نقش مؤثر برای ارتقای جایگاه جامعه و تبدیل آن به مرجعی معتبر برای ذی‌نفعان اطلاعات حسابداری موفق نبوده‌اند؟ آیا ناکامی‌های گذشته نباید زنگ هشدار برای اصلاح ساختارها و بازنگری در مسیر آینده باشد؟

در این میان، انتظار می‌رود جامعه حسابداران رسمی علاوه بر صیانت از استقلال حرفه‌ای، نقش فعال‌تری در تأثیرگذاری بر قوانین مالی، مالیاتی و مقررات بازار اوراق بهادار ایفا کند. آیا نباید حمایت از شغل مؤسسات و اعضا، مشارکت مؤثر در تدوین و بهبود استانداردهای حسابداری و حسابرسی و همگامی با تغییرات جهانی در دستور کار جدی قرار گیرد؟

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌ویژه رایانه‌ای و هوش مصنوعی چه جایگاهی در راهبرد جامعه دارد؟

آیا وقت آن نرسیده است که جامعه از جایگاهی منفعل به نهادی تأثیرگذار تبدیل شود و نقشی راهبردی در ارتقای شفافیت مالی، حفظ اعتماد عمومی و صیانت از منافع ذی‌نفعان ایفا کند؟

جامعه حسابداران رسمی نهادی برگرفته از نهادهای مستقل حرفه‌ای در کشورهای پیشرفته است. ایده استقلال محوری ترین ایده تشکیل این گونه نهادهاست تا امکان قضاوت حرفه‌ای عینی و بیطرفانه فراهم شود. استقلال پی‌آمدهای در استانداردگذاری حرفه‌ای و اخلاقی است که در قالب

سازوکارهای قانونی و با شرایط رعایت استقلال ارایه می‌شود. استقلال اساسی‌ترین حق هر نهاد حرفه‌ای است. می‌دانیم که محیط و بستر شکل‌گیری و فعالیت آن در کشور ما امکان ادای این حق را ندارد و همین است که از بدو شکل‌گیری تاکنون ذره‌ذره آن استقلال اندک نیز از بین رفته و دست نهادهای قانونی و نظارتی در اداره و کنترل بازتر شده است. چرا؟

فلسفه شکل‌گیری جامعه حسابداران چه بوده که هر بار با باد قانون می‌لزد؟

آیا جامعه حسابداران رسمی فقط بنا بر ضرورت قانون بنا شده یا ضرورت اقتصادی و شفاف سازی عامل اصلی بوده است ؟

آیا آن موجود بین‌المللی در شرایط محیطی و آب و هوای فرهنگی ایران امکان بقا دارد یا این موجود دیگری است که ما تنها به آن نام صدایش می‌زنیم ؟

موجودی که برای رشد و نما باید مستقل باشد در محیطی که همه سازوکارهای اقتصادی و نظارتی و کنترلی وابسته به دولت است چگونه رشد خواهد کرد؟

اگر این قانون است که که موجد و ضامن بقای آن است آیا توسعه بخشیدن فعالیت‌های آن بدون اجازه قوانین بالادستی امکان‌پذیر است؟

آیا توسعه مورد نظر اعضا صرفاً افزایش درآمد برای اعضا است یا هدف والاتری در راستای توسعه ایران مد نظر است ؟

اگر توسعه حرفه صرفاً افزایش درآمد اعضا است با کوچک تر شدن یک اقتصاد، توسعه چطور امکان پذیر است؟

اگر فرض کنیم که در شرایط فعلی امکان رعایت استقلال برای ما وجود ندارد آیا نباید برای حفظ بقا از استقلال عدول کنیم؟

حد عدول ما چیست و کف حق جامعه حسابداران در شرایط فعلی کجاست؟ در کشاکش قانون، نظارت و استقلال چگونه باید رفتار کرد؟

توانمندی یعنی آگاهی به این محدودیت های اساسی و همین شناخت است که مسیر بقا و تداوم فعالیت را روشن خواهد کرد. کسانی می توانند ما را در ادامه این مسیر یاری کنند که هم محدودیت ها را بشناسند و هم درکی کلان از وضعیت اقتصادی کشور داشته و هم به جزییات امور حرفه ای اشراف داشته باشند.